

# گل پایان قشنگی دارد

## بررسی شعر انقلاب و دفاع مقدس در آثار سلمان هراتی

الف. سلمان و شعر انقلاب

مقدمه

در تعریف ادبیات پایداری و زمینه پیدایش آن در طول تاریخ بشر، باید گفت نخستین جلوه‌های این ژانر ادبی، زمانی پدیدار شد که نخستین ظلم بر انسان روا داشته شد، و در تاریخ اسلام نیز اگر کند و کاوی داشته باشیم، اوج آن را در حادثه بزرگ کربلا خواهیم دید.

موضوعات پایداری و مفاهیم ادبیات مقاومت، دلالت‌های عام در زندگی بشر دارد و دوره‌های خاص از نزع انسان با «طبیعت»، «حکومت» و «بیگانه» را شامل می‌شود. با توجه به این تعریف، آثار شعری سلمان هراتی با موضوع پایداری را می‌توان به دو گونه تقسیم کرد: ۱. آثاری که در زمینه مقاومت در برابر «حکومت» سروده و ۲. آثاری که در برابر تجاوز و تعدی «بیگانه» خلق نموده است. برای نیل به این اهداف، ناگزیر باید به مقدمات و زمینه‌های پیدایش این ژانرهای ادبی اشاره داشته باشیم. ابتدا ریشه‌های ادبیات انقلابی را واکاوی خواهیم کرد و بعد به نشانه‌ها و ویژگی‌های آن خواهیم پرداخت. در ادامه نیز شعر دفاع مقدس و خصوصیات آن را بررسی می‌کنیم و هر دو زمینه موضوع اصلی مورد بحث ما، آثار زنده‌یاد سلمان هراتی خواهد بود.

### وطن‌گرایی در شعر سلمان

در دوره قاجار، بی‌کفایتی پادشاهان قاجار و بی‌تدبیری درباریان، زمینه جولان و ترک‌تازی استعمارگران را در سرزمین ما فراهم ساخت؛ تا آنجایی که هر یک از کشورهای قدرتمند، مشتئ از خاک کشور پهناور ما را محل عیش و نوش خود ساخته بودند. کمپانی‌های استعماری، تجارت، غارت و سرمایه‌گذاری‌هایی که فایده‌اش به جیب بیگانگان سرازیر می‌شد، باعث شد تا شاعران دوره بیداری، توجه به وطن و سرایش آثاری درباره حفظ وطن و مرزهای کشور را سرلوحه کار خود قرار دهند. بسیاری از شاعران عصر مشروطه، از جمله ادیب‌الممالک فراهانی - که دکتر یوسفی وی را «مدیحه وطن» می‌خواند - و

محمدتقی عزیزیان

چکیده

ارائه وظایف شعر متعهد و هنر متعالی از دیدگاه افلاطون، تولستوی، لئوناردو و...، بررسی نمادگرایی در شعر چریکی ایران و مطابقت آن با نمونه‌های جهانی، ارائه تئوری‌های موجود درباره شعر چریکی و بررسی نقاط مشترک آن با آثار سلمان هراتی، از مقدمات این نوشته است. ادبیات پایداری ریشه‌ای به قدمت پیدایش بشر دارد و نخستین گونه آن، برمی‌گردد به نخستین ظلمی که در حق بشر روا داشته‌اند. بر اساس تعاریف جامع و کامل، دو نوع ادبیات پایداری در جوامع وجود دارد؛ یکی مربوط می‌شود به مقاومت در برابر ظلم‌های داخلی و مبارزه با حکومت‌ها، و دیگری به مقاومت در برابر تجاوزهای بیگانگان و جنگ‌ها می‌پردازد.

در این مقاله سعی کرده‌ایم ریشه‌های پیدایش شعرهای وطنی و انقلابی و ویژگی‌های خاص این اشعار را در ایران پیدا کنیم و دوره‌هایی که بیشترین سرایش شعرهای وطنی را داشته‌اند، معرفی نماییم و بخشی از شعرهای سلمان هراتی را که در زمینه انقلاب و آرمان‌گرایی، انقلاب و نهضت‌های رهایی‌بخش و ستایش امام خمینی (ع) است، خوانش و بررسی کنیم. بیان نظریه «وطن» در شعر سلمان و تفاوت آن با وطن در اشعار دیگر شاعران، از نکات درخور اعتنای این بخش از مقاله است.

در بخش دوم، با مرور دوره‌های زمانی شعرهای دفاع مقدس، به جریان‌شناسی شعر دفاع مقدس و بررسی آثار دفاع مقدسی سلمان هراتی در سه موضوع جریان‌شناسی شعر دفاع مقدس، «جنگ و حسرت‌نویسی»، «جنگ و شهیدان» و «جنگ و عافیت‌طلبان» پرداخته‌ایم.

**واژه‌های کلیدی:** شعر، انقلاب، ادبیات پایداری، شعر چریکی، جنگ، دفاع مقدس، شهیدان، وطن.

دیگرانی مثل ملک الشعراء بهار، میرزاده عشقی، ایرج میرزا، نسیم شمال و... اشعار وطنی بسیاری سرودند.

بیشترین سابقه سرایش، چه از لحاظ کمی و چه کیفی، در بین شاعران مشروطیت و عصر بیداری به چشم می‌خورد؛ اما پس از مشروطیت، در دوره معاصر و به‌ویژه در شعر پس از انقلاب و شعر جنگ، توجه شاعران به این مضمون بیش از پیش شده است؛ به گونه‌ای که لایه‌هایی از اشعار دفاع مقدس را نیز می‌توان به این مضمون اضافه کرد. اما «وطن» در شعر سلمان هراتی، با آنچه در نگرش شاعران دیروز و امروز مشاهده می‌کنیم، متفاوت است. سلمان زندگی را مرگ در کنار وطن می‌داند و این همان اعتقادی است که در دین به ما گوشزد می‌شود: «دوست داشتن وطن، از ایمان است»، و آیات و روایات بسیاری از این دست. وطن سلمان، جایی است که عقل و عشق را با هم می‌طلبد و عشق را به صورت هدایت‌شده می‌پذیرد. در وطن او، هر گونه علاقه و دلبستگی که انسان را از خدا دور سازد، مذموم و نکوهیده است. البته برای عقل و عشق می‌توان تعبیرهای گوناگونی آورد. وطن سلمان، آسمانی آبی و دست‌هایی سبز دارد؛ دست‌های سبز، یعنی دست‌هایی که اعمال نیکو انجام می‌دهند و به نیکوکاری نیز دعوت می‌کنند: «دنیا مزرعه آخرت است». آسمان وطن سلمان، همان آفاق‌های دوردستی است که روشن است و آرامش و سعادت را به ارمغان می‌آورد. پسرانی که در وطن سلمان زندگی می‌کنند، مردان جهادند؛ شمشیر از دیرباز در دست بزرگان دین ما بوده است و مجاهدان در راه خدا همواره مورد لطف و عنایت باری تعالی قرار گرفته‌اند.

دوست دارم تو را / آن گونه که عشق را / دریا را / آفتاب را / کی می‌توان از سادگی تو گفت / و هم / به دریافت خرمهره (نوبل) نایل آمد؟ ... (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

«آفتاب» همواره نماد روشنی و امید بوده است و «دریا» سرچشمه پاک و وسعتی بی‌منتها که هیچ چیزی نمی‌تواند آن را آلوده کند و حتی خرمهره نوبل را اگر از آن درخ کند، سادگی‌اش ارزشمند خواهد ماند. من فرزند مظلوم توام / نه پایمون می‌زنم / نه پیپ می‌کشم / مثل تو ساده / که هیچ کنفرانس رسمی او را نمی‌پذیرد / و شعر من / عربده جانوری نیست / که از کثرت استعمال ماری‌جوآنا / دهان باز کرده باشد (همان: ۱۱۷).

«پایمون»، «پیپ»، «ماری‌جوآنا» و... ردپایی است که از بیگانگان در سرزمین ما به جا مانده است. این آلودگی، که وطن سلمان را دستخوش تشریفات غربی‌ها ساخته است، او را بیش از هر چیزی آزرده می‌سازد. و من، آری، من / برای بلقیس قصیده نمی‌گویم / ای شیرزهره بی‌باک / بگذار گریه کنم / نه برای تو، که پایان بی‌قراری تو، پایان زمین است / و در خنکای گلدسته‌های تو / انسان به پرواز پی می‌برد (همان: ۱۸).

واژگان شعر سلمان در بندهای اخیر، بیشتر تم دینی و مذهبی پیدا می‌کند: «بلقیس»، «گلدسته»، «پرواز». در ادامه، شعر به سمت بارقه الهی می‌رود: ای چشم‌انداز روشن خدا / در کجای جهان / این همه پنجره برای تنفس باز شده است؟ / من از تو بر نمی‌گردم تا بمیرم / وقتی خدا رحمت بی‌منت‌هایش باریدن می‌گیرد / می‌گویم شاید / از تو تشنه‌تر نیافته است / تو را

دوست می‌دارم / و بهشت‌زهرایت را / که ابروی زمین است (همان: ۱۹). در ادامه، وطن شاعر وسیع‌تر می‌شود؛ گسترده‌تر از آنچه که در محدوده جغرافیایی و حس ناسیونالیستی بگنجد. وطن او به اندازه عقیده‌اش گسترش پیدا می‌کند و عقیده او چیزی غیر از خداپاوری و خدامحوری نیست. پس عقیده او دین اوست.

### وظیفه اجتماعی شعر و شاعر

بدیهی است تحولات ادبی، ریشه در تغییرات و تحولات اجتماعی دارد. با این نگرش، رابطه شاعر با جامعه را می‌توان از سه زاویه بررسی نمود: «موضوع اجتماعی»، «هدف اجتماعی»، «تأثیر اجتماعی». موضوع اجتماعی، ارتباط شاعر با عوامل اقتصادی، محیط اجتماعی و ارزش‌هایی است که شعر او را شکل می‌دهد یا در آن مجسم می‌شود. مضمون یا هدف اجتماعی همان مقوله‌ای است که شاعر برای تحقق آن، دست به آفرینش می‌زند.

تأثیر اجتماعی پدیده‌ای است که به واسطه تکیه بر جمهور (مخاطب = پابلیک) به دست می‌آید و این مخاطب می‌تواند محدود و یا گسترده باشد؛ برای نمونه، دربار شاهان و امرا نوعی جمهور شعری است. افلاطون در کتاب جمهوریت، شاعری را از مدینه فاضله طرد می‌کند که وظیفه شعر را تنها و تنها لذت‌آوری می‌داند. به عبارت دیگر، شاعری که امور بی‌ارزش و ناچیز را با مهارت به شعر درمی‌آورد، مطرود نظر افلاطون است و تا همین حد، افلاطون شاعری را که «حدیث مردان نیک» سر کند، در مدینه فاضله باقی می‌گذارد. اما بر اساس عقیده لئوناردو (leonardoe)، عقل هنرمند باید به سان آینه باشد؛ یعنی رنگ هر چه را در مقابل داشت، بپذیرد و به مقدار اشیائی که در مقابلش قرار می‌گیرد، از تصاویر لذت ببرد (عباس، ۱۳۸۸: ۲۶). با توجه به تئوری لئوناردو، در فضایی که دخالت بیگانگان در مملکتی گسترده شود، بسامد واژه‌های بیگانه و فرهنگ‌های وارداتی روزبه‌روز افزایش می‌یابد و مردم بومی یک ناحیه خیلی بی‌ارزش‌تر از چپاولگران می‌شوند؛ حتی مجال مطالبه حقوق اولیه خود را ندارند و روزنه و چراغی پیش روی آنها نیست. شاعر مجبور است در ساختن تصویرها، از ترکیب خانواده لغات انقلابی - چریکی، واژگان طبیعی، تاریخی، اسطوره‌ای، مذهبی و نمادهای ساده، تکراری و کلیشه‌ای، مثل «جنگل» - که در دوره‌ای خاص، نماد قرارگاه مبارزان بوده است - و «شب»، نماد استبداد، و «زنجیر»، نماد اسارت فکری و فرهنگی، استفاده کند. شاعر در این چنین فضایی، گاهی از تکنیک روایت استفاده می‌کند؛ اما همه چیز، حتی خود روایت، در خدمت عاطفه انقلابی است و غالب اندیشه‌ها چنان عریانند که صور خیال و سایر امکانات ادبی، توفنده و انقلابی، و مرکز ثقل شعر، سطح عاطفی شعر است، نه سطوح دیگر.

پاره‌ای از این مضامین را نیز می‌توان در شعرهای انقلابی سلمان و از دریاچه‌های دیگر بررسی کرد: ۱. انقلاب و نهضت‌های رهایی‌بخش؛ ۲. ستایش حضرت امام خمینی (ره)؛ ۳. انقلاب و آرمان‌گرایی در شعر سلمان؛ ۴. انقلاب و نهضت‌های رهایی‌بخش. از خصیصه‌های شعر سلمان، صمیمیت و عاطفه قوی است و دیگر،



سلمان هراتی

استفاده از همهٔ واژه‌هایی که دم دست دارد. او هرگز نمی‌خواهد با استعمال چند واژهٔ خاص، خود را شاعری متعهد نشان دهد. تعهد، در واقع برایش درونی شده و با عقیده‌اش گره خورده است. صدافتی که در کلام اوست، باعث شده است تا با شعر، برخوردی شهودی و عینی داشته باشد. این خصیصه، در ترسیم فضاهای تجمع و تظاهرات مردم در روزهای نخستین انقلاب در شعر او نیز به چشم می‌خورد:

ابری عظیم/ از ته مجهول دره‌ها برخاست/ همراه باد/ دنبال یک فضای مناسب رفت/ ابر عظیم/ بالای یک فضای مناسب/ تن سپیدش را در دست‌های نیازمند درختان ریخت/ مه معلق پشت دریچهٔ تاریک من گریست/ آه ای بهار! تو از کدام سمت می‌آیی؟ (هراتی، ۱۳۸۰: ۵۵).

و در ادامه:

بودن، ضرورتی‌ست/ چنانچه زمستان/ و مرگ، ضروری‌تر/ آن سان که بهار/ بهار آمده است (همان: ۵۹)

از دیگر ویژگی‌های سروده‌های سلمان، پیوند مسائل اجتماعی با دنیای انتزاعی است و این یکی از نقاط مهمی است که در شعر متعهد بعد از انقلاب به چشم می‌خورد. نگاهی معنوی به موضوعات اجتماعی، امیدی شگفت را در دل شعرهای سلمان برای مخاطبانش به ارمغان می‌آورد:

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو  
امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو...

دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ

امروز خورشید در دشت آینه‌دار من و تو (هراتی، ۱۳۸۰: ۸۱)

بازگشت به طراوت و سرسبزی، همان بازگشتی است که سلمان در شعرهایش به سمت طبیعت دارد. توجه به طبیعت، پناهگاه خوبی است تا انسان‌ها از روزمرگی شهر و مسائلی دست‌وپاگیر از این قبیل بیرون بروند.

### ستایش امام خمینی<sup>(ع)</sup> با عناصر صور خیال

سلمان شاعری قالب‌پذیر نیست. او تقریباً در چند قالب مختلف شعری، از قبیل مثنوی، غزل، رباعی، دوبیتی، سپید و... آثار خوبی دارد. ویژگی‌های شاعری سلمان، نشان‌دهندهٔ این موضوع است که بیان معنا را در اولویت قرار داده است. توانایی سلمان در هر دو گونهٔ سرایش، دلالت بر دانش ادبی و سواد شاعری او دارد.

سلمان ظرفیت واژه‌ها را شناخته و به آن معرفتی که باید از کلمات داشته باشد، دست یافته است.

در شعر «جمهوری گل محمدی»، زبان شعر دارد به سمت زبان شعری سهراب حرکت می‌کند؛ تعبیرهایی که ما بیشتر از سهراب سراغ داریم، در این اثر نیز نمود دارد:

شگفت‌انگیزتر از کهکشان/ مساحت مبهم پیشانی توست/ که در آفرینش خورشید/ بی نظیر است/... درختان از سلامت سبز بر خوردارند (همان: ۲۱۷)

...اینان که مرتبهٔ تو را/ با عاقبت خویش اندازه می‌گیرند/... اینجا که من ایستاده‌ام/ بامی از روشنائی‌ست (همان: ۲۲۱)

استفاده از تلمیح و نکته‌های تاریخی و درست نشستن آن در ضمن مطلب و تلفیق واژگان سنتی و مدرن در ترکیب‌سازی‌ها، از مواردی است که در شعر «ناگهان بهار» به چشم می‌خورد:

صندوق حادثه/ در اطراف دست‌های امین آسیه/ لنگر می‌گیرد/ پلیس/ بین گل محمدی و مردم/ دیوار می‌کشد/... آه.../ بر موج‌های نیل/ صندوق حادثه را... (همان: ۲۴۷)

### انقلاب و آرمان‌گرایی

همان گونه که اشاره کردیم، هدف اجتماعی، از جملهٔ مقوله‌های است که وظیفهٔ شعر و شاعر را رقم می‌زند؛ یعنی شالودهٔ فعالیت و آفرینش‌های ادبی شاعران انقلابی، هدف اجتماعی و یا همان آرمان‌هایی است که شاعران برای نیل به آنها، دست به سرایش می‌زنند. سلمان نیز از این مقوله مستثنا نیست:

کفتریان سیاست‌پیشه/ کفترهای کاغذی را/ چندی‌ست/ در آسمان دنیا پرواز می‌دهند/ و سعی دارند دنیا باور کند/ زخم ایران با پماد زیتون التیام می‌یابد/ و فلسطین مستأصل باید/ به آوارگی قناعت کند/ و جراحات افغانستان را باید/ با دستمال سرخ بست (هراتی، ۱۳۸۰ الف: ۹۰).

آرمان‌های انقلاب اسلامی ما در واقع همان شعرهایی است که ما در روزهای اول انقلاب از حضرت امام<sup>(ع)</sup> بارها شنیده‌ایم انقلابی که «ضد صهیونیستی»، «ضد استبدادی»، «ضد استعماری» است. اینها عین همان چیزهایی است که سلمان در بندهای ذکر شده به آنها اشاره می‌کند.

و در ادامه این اندیشه‌ها:

آقای بلشویک/ خیلی دیر شده/ افغانستان مقاوم/ به پرستیژ نظامیان تف می‌کند/ جایزهٔ صلح را/ به دجال یک‌چشم می‌دهید/ و امنیت را در خاورمیانه اعلام می‌کنید/ و برای آمریکا/ کارت تبریک می‌فرستید (همان: ۹۱).

تمام موارد بالا، همان اصولی هستند که انقلاب ما بر پایه مبارزه با آنها، بنا شده است و نقطه ثقل همه آنها ظلم‌ستیزی و استعمارگریزی است.

و از این دست:

سوسیالیست‌های فرانسه / وضع بهتری ندارند / سوسیالیست‌های فرانسه / با لالایی سیا به خواب می‌روند / من دیدم / در خیابان شانزله / زیر پای دموکراسی / پوست موز می‌گذارند... (همان: ۹۳)

در روسیه همه کوجه‌ها به تناثر ختم می‌شود / کارگران در فضای دودلود تریا / پشت سلامتی ودکا / به درک طبقاتی خویش نایل می‌شوند / ... جنازه اعتراض در سیبری بو می‌گیرد (همان).

اریستو کراسی / با جلیقه مخمل / بر پله‌های سازمان ملل / بار انداخته است / و به دنیا برگ زیتون تعارف می‌کند (همان).

### ۱. جریان‌شناسی شعر دفاع مقدس، جنگ و حسرت‌نویسی

اگر بخواهیم یک طبقه‌بندی زمانی برای شعر دفاع مقدس داشته باشیم، به چند برهه می‌رسیم:

#### الف. آثاری که در زمان جنگ سروده شده‌اند

با شروع جنگ، مضامین ادبیات پایداری تغییر شکل داد و وارد فضایی جدید شد. ادبیات خودجوش پایداری، سال‌های آغازین انقلاب، مقدمه‌ای شد تا ادبیات جنگ هضم‌شدنی شود. دهه اول، دهه جنگ و دفاع است. حملات دشمن از زمین و هوا و دریا، صدای شلیک گلوله، انفجار و بمباران و... از یک سو، و اعزام نیرو، از سوی دیگر، صحنه‌های شگفت‌انگیزی را خلق می‌کرد.

ادبیات پایداری در دوره اول تحت تأثیر این گونه فضایی شکل می‌گیرد. طبیعی است پژواک صدای جنگ در آن شنیده می‌شود؛ ولی شاعر برای تلطیف فضای جبهه، از مضامینی عاطفی، چون انتظار پدر، ترسیم چهره‌های مقدس از جبهه و شهیدان و... سود جست است.

۲. دهه دوم، دهه‌ای است که جنگ تمام شده است، اما تأثیرات آن در ابعاد انسانی و اجتماعی و اقتصادی جامعه نمایان‌تر است. از یک سو، حفظ میهن و دفاع از ارزش‌ها، به عنوان یک پیروزی بزرگ و حس ستایش مردم و هنرمندان از رزمندگان برانگیخته است و از سوی دیگر، عمق فاجعه رخ نموده و باعث سرزنش عام و دشمن به معنای خاص شده است. در ادبیات دفاع مقدس این دوره، زمان افعال از حال به گذشته چرخش پیدا می‌کند و بدون آنکه صدای بمب و موشک را نشان دهد، به ستایش قهرمانی و دلیری رزمندگان و سرزنش دشمن می‌پردازد.

خلق تصویرهای اغراق‌آمیز، ذهنی و انتزاعی، از خصیصه‌های شعر این دهه است.

#### ۳. دهه سوم

در دهه سوم، ثبت حماسه دفاع مقدس و تفکر ماندگاری این حماسه، در فضای شعر و شاعران غلبه می‌کند. این رویکرد، از برنامه‌ریزی

سیاست‌گزاران این حوزه، اقتضای اجتماعی زمان و تعهد هنری شاعران ناشی می‌شود.

در این دهه، شعر جنگی و تبلیغی جایگاهی ندارد؛ چون بحث ماندگاری مطرح است؛ پس اولویت ارزش‌گذاری آثار، جنبه فنی و هنری آنهاست، نه بعد تبلیغی و شاعری. با وجود این، هنوز برخی از شاعران در حال و هوای دوره پیشین به خلق آثار نوستالژیک می‌پردازند. البته هر گروهی از این آثار ویژگی‌ها و رسالت‌هایی خاص دارند که بحث ما در اینجا فقط گروه اول است.

سلمان از آن دسته شاعرانی است که جنگ را درک و صحنه‌ها را از نزدیک مشاهده کرده و در جبهه‌ها حضوری آگاهانه داشته است. او از میان آن همه ایثار و گذشت، اکنون به روزهای عافیت آمده است و با کسانی که در ویلاهای شمال، هنگام جنگ، دریا را تماشا می‌کردند، باید همنشین شود، و این، شاعر را آزرده‌خاطر می‌کند:

دلم برای جبهه تنگ شده است / چقدر صداقت نیست! / چقدر شقایق‌ها را ندیده می‌گیریم! / حس می‌کنم سرم سنگین است / ... امروز دوباره سری را آوردند / که سر نداشت (هراتی، ۱۳۸۰ الف: ۸۴)

زندگی عادی که امید هیچ خورشیدی در آن نیست، و نعمتی که دیروز خداوند به شهیدان بخشیده است، امروز تنها آرزویی می‌تواند باشد و این نیز بیش از پیش شاعر را می‌رنجاند که:

دلم گرفته از این روزها، دلم تنگ است  
میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است  
مرا گشایش چندین درچه کافی نیست  
هزار عرصه برای پریدنم تنگ است...

مرا به زاویه باغ عشق مهمان کن

در این هزاره فقط عشق پاک و بی‌رنگ است (همان، ۱۳۸۰ ب: ۳۰۵)

حسرت شهادت در جای جای شعرهای سلمان مشهود است:

دیروز عصر بود / یک کاروان نور / می‌رفت سمت سبز / ... یک چشم مهربان / با دستی از خضوع / یک برگ یادداشت به من داد / در آن نوشته بود "آینه‌ات دانی چرا غماز نیست (همان: ۲۸۲).

#### ۲. جنگ و شهیدان در شعر سلمان

از ویژگی‌های بارز شعر سلمان، صمیمیت، اخلاص و صداقتی است که در آثار او به چشم می‌خورد و همین ویژگی‌ها، باعث اثرگذاری بسیار آثار او بر مخاطبانش می‌شود. و اینجاست که به گفته تولستوی درباره هنر می‌رسیم:

«اگر انسان بدون اینکه دست به تلاشی بزند، یا موضع خود را تغییر دهد، هنگام خواندن یا شنیدن اثری هنری، به تجربه یا حالتی ذهنی برسد که این حالت ذهنی او، هنرمند و دیگرانی را که از آن اثر هنری تأثیر پذیرفته‌اند، متحد کند، این اثر هنری درست به شمار می‌رود. اگر این اتفاق نیفتد، هر اندازه هم که شعری، واقعی و لذت‌بخش باشد، باز اثر هنری نیست» (عباس، ۱۳۸۸: ۴۰).

البته از خصوصیات این تأثیر و سرایت می‌توان به: ۱. کم و زیاد بودن

خصوصیت احساس منتقل شده، ۲. میزان وضوح احساس منتقل شده و صمیمیت و اخلاص هنرمند، اشاره کرد.

بر اساس نظریه تولستوی، آثار سلمان کم و بیش از موارد ذکر شده برخوردار هستند و در مورد گزینه سوم، شدت و حدت بیشتر می شود؛ یعنی صمیمیت و صداقت سلمان از موارد دیگر بیشتر است:

ای مادران شهید/ سوگواری که اید/ دلنگیتان مباد/ آنان درختانند/ بارانند/ آنان نیلوفرانند/ که از حمایت دستان خدا برخوردارند (هراتی، ۱۳۸۰ الف: ۱۱۶).

قالب «چهارپاره» تقریباً مرز بین شعر نو و شعر کلاسیک است؛ یعنی از نظر زبانی، ساختاری و اسلوب بیان، قسمتی از مؤلفه‌های شعر نو و بخشی از ویژگی‌های شعر کلاسیک را در بر دارد؛ اما سلمان با استفاده از این قالب هم خوب توانسته است مخاطب خود را تا حدودی دربارهٔ مضمون «شهید» اقناع کند.

اوج هنر شاعری سلمان در معرفی شهید را می توان در مجموعهٔ در ی به خانه خورشید و زیر عنوان شعر «سرباز» یافت. شهید در شعر «سرباز»، پدیده‌ای است که از زوال گریزان و به سمت جاودانگی پرواز می کند. زبان شعر سرباز، صمیمی است و گاهی به نثر پهلو می زند و گاهی چاشنی طنز پنهانی نیز در آن به کمک مخاطب می آید:

یک سیب از درخت می افتد/ یک اتفاق/ در شرف وقوع است/ تو نیستی/ لبخند تو نیست/ پنجره تنهاست/ من دلنگم/ فکر می کنم تو هم پرند می شوی/ اگر نه/ چرا مادر امروز/ این همه به آسمان شباهت دارد/ و شبها خواب گل سرخ می بیند/ شاید تو آن شقایقی باشی/ که در دفتر فردای مادر می درخشی (همان: ۲۱۱).

### ۳. جنگ و عافیت طلبان در شعر سلمان

در طول تاریخ، همواره انسان‌هایی بوده‌اند که برای راحتی و آسایش خویش، دست به هر کاری زده‌اند؛ انسان‌هایی که هرگز اعضای دیگران نبودند و خود را از گوهری برتر و نژادی مرتفع دانسته‌اند. اینان همان کسانی هستند که از تیررس نکته‌پردازان و سخن‌سرایان در امان نبوده‌اند. سلمان هراتی در شعرهای دفاع مقدس، با زبانی آغشته به طنز، بارها و بارها بر ایشان تاخته و سرزنش و نکوهش این افراد را از یاد نبرده است. در شعر از «از بی خطی تا خط مقدم» این روند را ملاحظه می کنیم:

ماندن چقدر حقارت‌آور است/ وقتی عزم تو ماندن باشد/ حتی روز/ پنجره‌ها به سمت تاریکی باز می شونند.../ گویا/ مرغ و متکا توزیع می کنند/ اینها که در صف ایستاده‌اند/ به خوردن و خوابیدن معتادند/ ... و برای زدودن خستگی بعد از صف/ ورق زدن/ یک کلکسیون تمبر/ چقدر به نظرت جالب می آید (هراتی، ۱۳۸۰ الف: ۷۵).

فکرش را بکنید، آیا در شرایطی که هر روز تشییع پیکر شهدا و جانبازی‌ها و رشادات همسایه‌ها را می بینیم، ماندن و دلخوش بودن به زیبایی یک تمبر و با بی‌اهمیتی به حوادث اطراف نگاه کردن، حماقتی و حقارتی بزرگ نیست؟

از زیر سایه‌های مرتب مصنوعی/ مردان آرشیتکت را دیدم/ در صف کراوات چرت می زدند.../ چگونه می توان/ یا این همه تفاوت/ بی تفاوت

ماند؟... سرزنش چه نتیجه بلندی دارد/ وقتی فروتن باشیم.. (هراتی، ۱۳۸۰ الف: ۷۶)

### نتیجه

با توجه به تعریف نگارندهٔ کتاب بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، ادبیات پایداری به ادبیاتی اطلاق می شود که محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر هر گونه‌ای از تجاوز طبیعت به بشر است. به بیانی دیگر، واقعیت این است که موضوعات پایداری و مفاهیم ادبیات مقاومت، دلالت‌های عام در زندگی بشر دارد و دوره‌های خاص از نزاع انسان با «طبیعت» «حکومت» و «بیگانه» را شامل می شود. با توجه به این تعریف، آثار شعری سلمان هراتی با موضوع پایداری را می توان به دو گونه تقسیم کرد: آثاری که در زمینهٔ مقاومت در برابر «حکومت» سروده و آثاری که در برابر تجاوز و تعدی «بیگانه» خلق نموده است.

بنابراین سلمان هراتی در معنای عام، شاعر پایداری است و در معنای خاص، شاعر انقلاب و دفاع مقدس، که هر دو از زیرمجموعه‌های ادبیات پایداری ملت‌ها هستند. همچنین با توجه به تئوری افلاطون در کتاب جمهوری، شاعر کسی است که «حدیث مردان نیک» را سر دهد تا در مدینهٔ فاضله بماند. سلمان هراتی نیز با سرودن از امام خمینی<sup>(۶)</sup> و شهیدان شاعری است که در مدینهٔ فاضلهٔ افلاطون برای خود جایگاهی دارد.

و با توجه به نظر لئوناردو، شاعر باید مثل آینه، همهٔ حوادث اطراف خود را منعکس کند، که در این زمینه نیز سلمان هراتی در شعر دفاع مقدس، با سرودن احوال افراد عافیت طلب، به این مهم دست یافته است. در مجموع، سلمان هراتی در مجموعه‌های از آسمان سبز، دری به خانه خورشید شاعری است آگاه و متعهد با صداقت و صمیمیتی که در ذهن و زبان او موج می زند و بر اساس نظریه تولستوی دربارهٔ آثار هنری مورد قبول، هنر او این است که مخاطب بدون هیچ گونه تلاش و تعدی، با خوانش آثار او به تجربه‌های ذهنی رسیده و متأثر می شود.

### کتابنامه

- زرقاتی، سیدمهدی، چشم‌انداز شعر معاصر. چاپ اول، تهران: ثالث.
- شفیعی، سیدضیاءالدین، ۱۳۸۷، خواب گل سرخ. تهران: هنر رسانهٔ اردیبهشت.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۰، ادوار شعر فارسی، از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: سخن.
- عباس، احسان، ۱۳۸۸، شعر و آینه: بررسی تئوری و مکاتب شعری. ترجمهٔ سیدحسن حسینی. چاپ اول، تهران: سروش.
- لنگرودی، شمس، ۱۳۷۸، تاریخ تحلیلی شعر نو. تهران: نشر مرکز.
- هراتی، سلمان، ۱۳۸۰، از آسمان سبز: مجموعهٔ کامل شعرهای سلمان هراتی. تهران: دفتر شعر جوان.
- هراتی، سلمان، ۱۳۸۰، دری به خانهٔ خورشید: مجموعهٔ کامل شعرهای سلمان هراتی. تهران: دفتر شعر جوان.